



سخنرانی در دیدار مداحان اهل بیت (ع)، به مناسبت میلاد مبارک صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س) - 5 دی / 1370

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَنَا اعطینَاکَ الْکَوْثَرَ. فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ. اِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْاَبْتَرُ. (1)

خدا را سپاسگزاریم که در چنین روز با عظمت و فرخنده و زیبایی، توفیق زیارت شما مداحان و ستایشگران خاندان عصمت و طهارت، مجدداً نصیب ما شد. ما مدعیان آشنایی و معرفت و ارادت به آن بانوی دو عالم، برکات فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را در سرتاسر ایام حیات خودمان و در جلوه‌های گوناگون زندگی مشاهده کرده‌ایم. ان شاء الله تداوم این برکات و تفضلات را تا همیشه‌ی زندگی و پس از مرگ هم ببینیم و حس کنیم و همه‌ی دوستان و موالیان، از آن انوار مطهره مستفیض بشوند.

فیوضات فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)، به مجموعه‌ی کوچکی که در مقابل مجموعه‌ی انسانیت، جمع محدودی به حساب می‌آید، منحصر نمی‌شود. اگر با یک دید واقع‌بین و منطقی نگاه کنیم، بشریت یکجا مرهون فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است - و این گزارف نیست؛ حقیقتی است - همچنان که بشریت مرهون اسلام، مرهون قرآن، مرهون تعلیمات انبیا و پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) است. در همیشه‌ی تاریخ این‌طور بوده، امروز هم همین‌طور است و روزبه‌روز نور اسلام و معنویت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) آشکارتر خواهد شد و بشریت آن را لمس خواهد کرد.

برادران عزیز! آنچه ما وظیفه داریم، این است که خود را شایسته‌ی انتساب به آن خاندان کنیم. البته منتسب بودن به خاندان رسالت و از جمله‌ی وابستگان آنها و معروفین به ولایت آنها بودن، دشوار است. در زیارت می‌خوانیم که ما معروفین به دوستی و محبت شما هستیم؛ (2) این وظیفه‌ی مضاعفی را بر دوش ما می‌گذارد.

این خیر کثیری که خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی کوثر مژده‌ی آن را به پیامبر اکرم داد و فرمود: «اَنَا اعطینَاکَ الْکَوْثَرَ» (3) - که تأویل آن، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است - درحقیقت مجمع همه‌ی خیراتی است که روزبه‌روز از سرچشمه‌ی دین نبوی، بر همه‌ی بشریت و بر همه‌ی خلایق فرو می‌ریزد. خیلی‌ها سعی کردند آن را پوشیده بدارند و انکار کنند، اما نتوانستند؛ «والله متمّ نوره و لو کره الکافرون». (4)

ما باید خودمان را به این مرکز نور نزدیک کنیم؛ و نزدیک شدن به مرکز نور، لازمه و خاصیتش، نورانی شدن است. باید با عمل، و نه با محبت خالی، نورانی بشویم؛ عملی که همان محبت و همان ولایت و همان ایمان، آن را به ما املاء می‌کند و از ما می‌خواهد. با این عمل، باید جزو این خاندان و وابسته‌ی به این خاندان بشویم. این‌طور نیست که قنبر در خانه‌ی علی (علیه السلام) شدن، کار آسانی باشد. این‌گونه نیست که «سلمان مثنی‌الاهل‌البیت» (5) شدن، کار آسانی باشد. ما جامعه‌ی موالیان و شیعیان اهل‌بیت (علیهم السلام)، از آن بزرگواران توقع داریم که ما را جزو خودشان و از حاشیه‌نشینان خودشان بدانند؛ «فلان ز گوشه‌نشینان خاک درگه ماست». (6) دلمان می‌خواهد که



اهل بیت درباره‌ی ما این‌طور قضاوت کنند؛ اما این آسان نیست؛ این فقط با ادعا به دست نمی‌آید؛ این، عمل و گذشت و ایثار و تشبه و تخلق به اخلاق آنان را لازم دارد.

شما ملاحظه کنید، این بزرگواری که ما امروز ساعتی با شما پای استماع مدایح و فضایلش نشستیم - که آنچه گفته شد، قطره‌یی از دریاست - در چه سنی این همه فضایل را حایز شد؟ در چه مدت عمری این همه درخشندگی را از خود بروز داد؟ در عمری کوتاه؛ هجده سال، بیست سال، بیست و پنج سال؛ نقلها متفاوت است. این همه فضایل، بیهوده به دست نمی‌آید؛ «امتحنك الله الذی خلقك قبل ان یخلقك فوجدك لما امتحنك صابره». (7) خدای متعال، زهرای اطهر - این بنده‌ی برگزیده - را آزمود. دستگاه خدای متعال، دستگاه حساب و کتاب است؛ آنچه می‌بخشد، با حساب و کتاب می‌بخشد. او، گذشت و ایثار و معرفت و فدا شدن این بنده‌ی خاص خود را در راه اهداف الهی می‌داند؛ لذا او را مرکز فیوضات خود قرار می‌دهد.

ما باید این راه را برویم. ما هم باید گذشت کنیم، ایثار کنیم، اطاعت خدا کنیم، عبادت کنیم. مگر نمی‌گوییم که «حتی تو رمّ قدماها»؟ (8) این قدر در محراب عبادت خدا ایستاد! ما هم باید در محراب عبادت بایستیم. ما هم باید ذکر خدا بگوییم. ما هم باید محبت الهی را در دلمان روزبه‌روز زیاد کنیم. مگر نمی‌گوییم که با حال ناتوانی به مسجد رفت، تا حقی را احقاق کند؟ ما هم باید در همه‌ی حالات تلاش کنیم، تا حق را احقاق کنیم. ما هم باید از کسی نترسیم. مگر نمی‌گوییم که یک‌تنه در مقابل جامعه‌ی بزرگ زمان خود ایستاد؟ ما هم باید همچنان که همسر بزرگوارش فرمود «لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقلّة اهلها»، (9) از کم بودن تعدادمان در مقابل دنیای ظلم و استکبار نترسیم و تلاش کنیم. مگر نمی‌گوییم که آن بزرگوار کاری کرد که سوره‌ی دهر درباره‌ی او و شوهر و فرزندان نازل شد؟ ایثار نسبت به فقرا و کمک به محرومان، به قیمت گرسنگی کشیدن خود؛ «و یؤثرون علی انفسهم ولو كان بهم خصاصة». (10) ما هم باید همین کارها را بکنیم.

این نمی‌شود که ما دم از محبت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) بزنیم، در حالی که آن بزرگوار برای خاطر گرسنگان، نان را از گلوی خود و عزیزانش - مثل حسن و حسین (علیهما السلام) و پدر بزرگوارشان (علیه السلام) - برید و به آن فقیر داد؛ نه یک روز، نه دو روز؛ سه روز! ما می‌گوییم پیرو چنین کسی هستیم؛ ولی ما نه فقط نان را از گلوی خود نمی‌بریم که به فقرا بدهیم، اگر بتوانیم، نان را از گلوی فقرا هم می‌بریم!

این روایاتی که در «کافی» شریف و بعضی از کتب دیگر در باب علامات شیعه هست، ناظر به همین است؛ یعنی شیعه بایستی آن‌طوری عمل کند. ما باید زندگی آنها را در زندگی خود - ولو به صورت ضعیف - نمایش بدهیم. ما و از ما بزرگترها کجا، آن آستان بلند کجا؟ معلوم است که ما حتی به حدود دوردست او هم نمی‌رسیم؛ اما باید تشبه کنیم. نمی‌شود در نقطه‌ی مقابل زندگی اهل بیت حرکت کنیم، ولی ادعا کنیم که ما جزو موالیان اهل بیتیم! چنین چیزی ممکن است؟ فرض بفرمایید کسی در زمان امام بزرگوار ما، از دشمنان این ملت - که امام دایم علیه آنها حرف می‌زد - تبعیت می‌کرد؛ آیا او می‌توانست بگوید من تابع امامم؟! اگر چنین چیزی از زبان کسی صادر می‌شد، آیا شماها نمی‌خندیدید؟! همین قضیه در باب اهل بیت (علیهم السلام) هم هست.

ما باید شایستگی خود را ثابت کنیم. مگر نمی‌گوییم که جهیزیه‌ی آن بزرگوار چیزهایی بود که انسان با شنیدن آنها اشکش جاری می‌شود؟ مگر نمی‌گوییم که این زن والامقام، برای دنیا و زیور دنیا هیچ ارزشی قائل نبود؟ مگر می‌شود



که روزبه‌روز تشریفات و تجمل‌گرایی و زر و زیور و چیزهای پوچ زندگی را بیشتر کنیم و مهریه‌ی دخترانمان را زیادتر نماییم؟!

اوایل که گاهی بعضیها مهریه‌ی عقد را يك خرده گران قرار می‌دادند، ما شوخی می‌کردیم و می‌گفتیم شما که می‌خواهید مثلاً فلان قدر سکه قرار بدهید، پس یکباره بگویید 72 سکه! اما حالا می‌بینیم که تعیین مهریه‌های گران‌قیمت، واقعی شده است! واقعاً چه خبر است؟ شما که پدر آن دختر هستید، آیا می‌توانید ادعا کنید که پیرو پدر فاطمه (سلام‌الله‌علیها) هستید؟ این‌طوری نمی‌شود؛ ما باید به حال خودمان فکری بکنیم.

حالا چرا این حرفها را به شما گفتم؟ چون شما مداحید و باید بروید این حرفها را در مدحهااتان در مجالس فاطمه‌ی زهرا (س) به مردم بگویید؛ والا شماها که معلوم است وضعتان چه طوری است. اینها را درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) بگویید. با آن ذوق و هنر و صدای خوش و لحن مطلوب و کیفیت جذاب خوانندگی خودتان، کاری کنید که دل‌های ما مستمعان به این حقایق نزدیک شود. اگر فرض کنیم که ما ابیاتی در مقامات معنوی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) بخوانیم که مستمع ما چیزی هم از آن نفهمد و سر در نیاورد، معلوم نیست که او را به فاطمه‌ی زهرا نزدیک کند. لازم است ما روزبه‌روز به این خانواده نزدیکتر بشویم. ملت ما از این طریق خواهد توانست به رسالت خود عمل کند. این ملت این‌طوری می‌تواند آن پیام بزرگ را به دنیا برساند.

امروز می‌بینید که وضع دنیا چگونه است. این کاخهای مرتفع و خیلی پُر زر و زیور، اما با پایه‌هایی از مقوا، یکی پس از دیگری دارد فرو می‌ریزد. این شوروی، امپراتوری بزرگ به اصطلاح سوسیالیستی و کارگری بود؛ اما آن‌گونه فرو ریخت و در هم مچاله شد! نمی‌شود گفت فرو ریخت؛ اصلاً نبود و له شد! شبیه همین فعل و انفعال، الان در بعضی از جاهای دیگر دنیا هم دارد انجام می‌گیرد؛ منتها تا آن وقتی که آشکار بشود، مقداری زمان می‌طلبد. این تمدنها و زر و زیورهای ضد حق دارند له می‌شوند.

بنای حق باید مرتفع باشد. گمان نکنید که اگر باطل به خاطر زوال‌پذیریش از بین رفت، حق به خودی خود و بدون تلاش، در دنیا عَلم خواهد شد - ابداً - باطل دیگری سر جایش می‌آید؛ مگر آن وقتی که حق، خود را آن‌چنان که هست، عرضه کند. این باطلها مرتب پشت سر هم می‌آیند و می‌روند؛ مرتب به وجود می‌آیند و از بین می‌روند. طبیعت باطل، زایل شدن و از بین رفتن است. گمان نشود که اگر باطل از بین رفت، ممکن است اسلام یا حق، بدون تلاش و مجاهدت، بدون تعریف و تبیین، بدون زحمت کشیدن من و شما، در دنیا جایگزین باطلها بشود؛ نه، بسته به این است که من و شما چه کار کنیم.

پس، باید از اهل‌بیت همچنان درس گرفت؛ همچنان این درسها را به مردم داد؛ همچنان تربیت کرد؛ تا بر اثر این کوششها، مَرِّ حق و لَبِّ حق بتواند جانشین باطلها بشود.

پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، ظهور ولیّت را نزدیک کن. پروردگارا! عرض تبریک ما را امروز به آن وجود مقدس برسان. پروردگارا! قلب مقدسش را از ما خشنود بفرما. پروردگارا! ما را از یاران و نزدیکان و جهاد‌کنندگان در راه او و به خون غلتیدگان در پیشگاه او قرار بده. پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، ما را روزبه‌روز با محمد و آل محمد آشنا تر بفرما.



والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

-
- (1) سوره ی کوثر
 - (2) و معروفین بتصدیقنا ایاکم». مفاتیح الجنان، زیارت جامعه ی کبیره
 - (3) کوثر: 1
 - (4) صف: 8
 - (5) بحار الانوار، ج 22، ص 326
 - (6) به حاجب در خلوت سرای خاص بگو فلان ز گوشه نشینان خاک درگه ماست «حافظ»
 - (7) مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهرا (س)
 - (8) مناقب، ج 3، ص 341
 - (9) نهج البلاغه، خطبه ی 201
 - (10) حشر: 9